جنگ با خیابان‌های تهران چه کرد؟

شب‌های پایتخت در میانه ترس از جنگ و بی‌پولی

تهران، شهری که سال‌ها تلاش شد به سمت «شهر هوشمند»، «اقتصاد شبانه»، «کافه‌های چندطبقه»، «خیابان‌های زنده» و خریدهای آنلاین و حضوری بی‌وقفه برود، حالا در دل بحران جنگ، ریتم دیگری پیدا کرده است؛ ریتمی کوتاه‌تر و محتاط‌تر.

شب‌های تهران در میانه ترس از جنگ و بی‌پولی | تعطیل کنیم، برویم خانه بیشتر می‌صرفد | تغییر رفتار فروشنده و مشتری موقتی است یا عادت می‌شود؟

به گزارش اقتصادنیوز، بعد از بیش از ۲ ماه جنگ و تعلیق، انگار عقربه‌های شهر عقب کشیده شده‌اند. خیابان‌هایی که تا پیش از این، حتی در ساعت‌های پایانی شب هم از نور ویترین‌ها، صدای کافه‌ها، توقف تاکسی‌ها و رفت‌وآمد عابران زنده بودند، حالا از حدود ساعت ۸ تا ۹ شب به بعد، آرام‌آرام خاموش می‌شوند.

این خاموشی فقط خاموشی چراغ‌ها نیست؛ خاموشی خرید است، خاموشی میل به ماندن در خیابان است، خاموشی گفت‌وگوی بی‌دغدغه میان فروشنده و مشتری است. در خیابان‌هایی مثل ولیعصر، از حوالی میدان ولیعصر به بالا، در بخش‌هایی از شریعتی، ونک، جمهوری، ابن‌سینا، فردوسی و ...، رد این تغییر دیده می‌شود؛ ویترین‌هایی که زودتر پایین کشیده می‌شوند، کافه‌هایی که به‌جای چند شیفت، با نصف ظرفیت کار می‌کنند، فروشنده‌هایی که پشت دخل نشسته‌اند اما نگاهشان بیشتر به ساعت است تا مشتری، و عابری که اگر خریدی هم دارد، سریع‌تر می‌خرد و زودتر راه خانه را در پیش می‌گیرد.

تهران؛ شهری که زودتر خاموش می‌شود

در روزهای عادی، خیابان ولیعصر فقط یک مسیر عبور نبود؛ خودش یک مقصد بود. آدم‌ها برای خرید، قدم‌زدن، کافه‌نشینی، دیدن ویترین‌ها یا حتی بی‌هدف چرخیدن به آن می‌آمدند. اما در فضای بحران، خیابان از «مقصد» به «مسیر رفتن به خانه» تبدیل شده است. مردم کمتر مکث می‌کنند، کمتر می‌پرسند، کمتر مقایسه می‌کنند و کمتر با خیال راحت خرید می‌کنند.

یکی از فروشندگان حوالی ولیعصر می‌گوید: «قبلاً ساعت ۹ تازه بعضی مشتری‌ها می‌آمدند. الان ۹ نشده خیابان خلوت می‌شود. چراغ مغازه‌های اطراف که خاموش شود، آدم خودش هم می‌ترسد باز بماند. وقتی مشتری نیست، ماندن فقط هزینه است.» این جمله، خلاصه وضعیت بسیاری از واحدهای صنفی است. برای فروشنده، باز بودن مغازه زمانی معنا دارد که احتمال فروش وجود داشته باشد. اما وقتی مشتری در خیابان نیست، هزینه روشنایی، نیروی کار، رفت‌وآمد، ریسک امنیتی و فشار روانی، از درآمد احتمالی بیشتر می‌شود. به همین دلیل بسیاری از مغازه‌داران می‌گویند «تعطیل کنیم و برویم خانه، بیشتر می‌صرفد.» خیابان‌های تهران این روزها پر شده از رانندگانی با خودروهای گران‌قیمت که نه برای انتخاب، بلکه برای بقا کار می‌کنند. جنگ، فقط یک رخداد نظامی نیست؛ در زندگی روزمره به شکل زمان کوتاه‌تر، خیابان خلوت‌تر و تصمیم‌های اقتصادی کوچک اما مداوم ظاهر می‌شود. فروشنده دیگر فقط به سود فکر نمی‌کند؛ به مسیر برگشت، ترافیک شب، تاریکی خیابان، خطر دزدی، احتمال حمله، هزینه اجاره و قبض برق هم فکر می‌کند.

مشتری‌های عجول، خریدهای کوچک‌تر و بی‌اعتمادی بیشتر

یکی از مهم‌ترین تغییرات در رفتار مشتری‌ها، «کوتاه شدن زمان تصمیم‌گیری» است. در ظاهر، ممکن است این عجله به نفع فروشنده باشد؛ مشتری سریع‌تر انتخاب می‌کند. اما در واقع، این عجله بیشتر از آن‌که نشانه خرید باشد، نشانه اضطراب است. مردم کمتر برای خریدهای غیرضروری وقت می‌گذارند. خرید از حالت تفریح، انتخاب و تجربه، به حالت رفع نیاز فوری رسیده است.

یک فروشنده پوشاک در خیابان ونک می‌گوید: «من لباس مهمانی می‌فروشم. خب معلوم است کسی در این اوضاع نمی‌آید لباس شب بخرد. عروسی‌ها کم شده، مهمانی‌ها محدود شده، مردم دل‌ودماغ ندارند. چرا باید تا شب باز بمانم؟ اجاره مغازه‌ام ماهی ۲۰۰ میلیون تومان است؛ غیر از آب و برق و گاز و حقوق. وقتی فروش نیست، حداقل زودتر ببندم، پول برق و نیروی کار کمتری می‌دهم.»

در چنین فضایی، کالاها دو دسته شده‌اند: ضروری و قابل حذف. مواد غذایی، دارو، نان، لبنیات، شوینده و برخی اقلام پایه هنوز خریدار دارند، اما پوشاک مجلسی، لوازم آرایشی، اکسسوری، کالاهای تزئینی، خدمات تفریحی، کافه‌نشینی طولانی و خریدهای مناسبتی افت کرده‌اند.

در میانه جنگ و بحرانی تر شدن شرایط اقتصادی، اقتصاد نه در آمارها، بلکه در زندگی معلق مردمی روایت می‌شود که هر روز بیشتر به بقا فکر می‌کنند تا آینده.

مردم همچنان خرید می‌کنند، اما نه مثل قبل. خریدشان کوچک‌تر شده، دفعات پرس‌وجو بیشتر شده، اما تصمیم نهایی کمتر به خرید ختم می‌شود. فروشنده‌ها از مشتری‌هایی می‌گویند که قیمت می‌پرسند، مکث می‌کنند، می‌گویند «فعلاً ببینم چه می‌شود» و می‌روند. این جمله، شاید پرتکرارترین جمله بازار در دوران بحران باشد: «فعلاً ببینم چه می‌شود.»

داروخانه‌ها هم از بحران مصرف می‌گویند؛ آرایشی و بهداشتی قربانی اول

داروخانه‌ها در بحران وضعیت متفاوتی دارند. از یک طرف، جزو صنوف ضروری‌اند و معمولاً زودتر از دیگران تعطیل نمی‌کنند. از طرف دیگر، ترکیب فروششان تغییر کرده است. دارو، مکمل‌های ضروری، اقلام درمانی و بهداشتی پایه همچنان مشتری دارد؛ اما بخش آرایشی و بهداشتی، مخصوصاً کالاهای غیرضروری یا گران‌تر، افت محسوسی را تجربه می‌کند. مسئول یک داروخانه در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران می‌گوید: «دارو را مردم مجبورند بخرند، اما فروش کرم، ضدآفتاب، محصولات مراقبت پوست یا آرایشی خیلی افت کرده. قبلاً مشتری می‌آمد چند قلم انتخاب می‌کرد. الان یا نمی‌خرد یا ارزان‌ترین گزینه را می‌خواهد. خیلی‌ها از نسخه دکتر هم می‌گویند فعلاً فقط داروی اصلی را بدهید.» این تغییر، فقط تغییر سبد خرید نیست؛ تغییر اولویت زندگی است. در بحران، بدن باید دوام بیاورد، ظاهر می‌تواند صبر کند. خانواده‌ای که نگران درآمد ماه آینده، قطعی اینترنت، امنیت رفت‌وآمد، قیمت کالا و آینده نامعلوم است، طبیعی است که خرج‌های غیرضروری را حذف کند.

حداقلی زندگی کردن هم دیگر «حداقل» نیست؛ وقتی حتی در ساده‌ترین و فشرده‌ترین شکل ممکنِ هزینه‌کرد، دخل و خرج به زحمت به هم می‌رسد، زندگی نه با رفاه، بلکه با حذف، تعویق و اضطراب پیش می‌رود.

فروشنده داروخانه ادامه می‌دهد: «ما هم مثل بقیه مشکل داریم. شیفت‌ها را سبک‌تر کردیم. قبلاً بعضی شب‌ها تا دیرتر می‌ماندیم، اما الان وقتی خیابان خلوت می‌شود، هم برای کارکنان سخت است، هم برگشتنشان. هزینه اسنپ هم بالا رفته. برای یک فروش محدود، نمی‌شود چند نفر را تا آخر شب نگه داشت.»

سوپرمارکت‌ها باز می‌مانند، اما امن نیستند

در راسته‌هایی که بیشتر مغازه‌ها زودتر می‌بندند، معمولاً آخرین چراغ روشن متعلق به سوپرمارکت‌ها، داروخانه‌ها و گاهی میوه‌فروشی‌هاست. چون کالای ضروری می‌فروشند و نیاز روزانه مردم به آن‌ها قطع نمی‌شود. اما حتی این صنف هم از بحران مصون نیست. صاحب یک سوپرمارکت در حوالی شریعتی می‌گوید: «ما مثل لباس‌فروش یا کافه نیستیم که کامل ببندیم. مردم شیر، نان، تخم‌مرغ، آب، کنسرو و چیزهای ضروری می‌خواهند. اما خریدها کوچک‌تر شده. قبلاً یک خانواده می‌آمد برای چند روز خرید می‌کرد، الان بیشتر روزانه و محدود می‌خرند.»

به گفته او، مسئله فقط کاهش خرید نیست؛ خلوتی خیابان خودش خطر جدیدی ساخته است: «وقتی مغازه‌های اطراف می‌بندند، ما می‌مانیم و یک خیابان تاریک. این خودش ریسک دزدی و خفت‌گیری دارد. مشتری هم وقتی ببیند خیابان خلوت است، ترجیح می‌دهد زودتر برود. ما هم بین باز ماندن برای فروش ضروری و ترس از ناامنی گیر کرده‌ایم.» این وضعیت نشان می‌دهد حتی صنوفی که فروششان کاملاً از بین نرفته، با بحران‌های جانبی روبه‌رو شده‌اند. اقتصاد شهر فقط به تعداد مشتری وابسته نیست؛ به روشن بودن راسته، حضور عابر، فعالیت همسایه‌ها و احساس امنیت هم وابسته است. وقتی یک خیابان زود خاموش می‌شود، هر مغازه بازمانده، به‌تنهایی در معرض فشار بیشتری قرار می‌گیرد.

برای شروع یک زندگی حداقلی در ایران، باید از سد هزینه‌های میلیاردی گذشت. در چنین شرایطی، ازدواج بیش از آن‌که انتخاب باشد، آزمون توان مالی است.

موتوری‌ها و راننده‌ها؛ کار در خیابانی که هر لحظه می‌تواند خطرناک شود

بحران برای کسانی که کارشان در خیابان است، شکل عریان‌تری دارد. پیک‌ها، موتوری‌ها، رانندگان تاکسی اینترنتی، باربرها و توزیع‌کنندگان، از خانه‌نشینی نمی‌توانند درآمد داشته باشند. آن‌ها باید در خیابان بمانند؛ حتی وقتی خیابان امن به نظر نمی‌رسد.

یک پیک موتوری روایت می‌کند: «ما کارمان ریسک دارد، اما الان ریسک فرق کرده. فقط تصادف و ترافیک نیست. هر لحظه آدم فکر می‌کند اگر حمله‌ای بشود، اگر صدای انفجار بیاید، اگر موجش برسد، چه می‌شود؟ در همین جنگ اخیر، یک بار از صدای انفجار شوکه شدم و تعادلم را از دست دادم. از موتور پرت شدم پایین. از آن روز به بعد، بعد از تاریکی خیلی محتاط‌تر کار می‌کنم.»

برای موتوری‌ها، شهر خلوت همیشه به معنی کار راحت‌تر نیست. خیابان خلوت می‌تواند مسیر را سریع‌تر کند، اما اگر تاریکی، اضطراب، نبود نیروی عبوری و کاهش سفارش به آن اضافه شود، درآمد کمتر و خطر بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، کاهش فعالیت کافه‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های غیرضروری، سفارش‌های پیک را هم پایین می‌آورد. یکی از رانندگان تاکسی اینترنتی می‌گوید: «مشتری شب کم شده. بعضی مسیرها را هم نمی‌روم، چون برگشت ندارم یا خیابان‌ها خلوت است. از شمال تا جنوب تهران اگر بخواهم بروم و در ترافیک یا مسیر خالی گیر کنم، آخرش شاید ۲۰۰ هزار تومان هم برایم نماند.»

بحران، عقل اقتصادی آدم‌ها را حساس‌تر می‌کند. هر مسیر، هر ساعت اضافه و هر سفارش، با پرسش ساده‌ای سنجیده می‌شود: «می‌صرفد یا نه؟»

کافه‌ها، ویترین‌ها و پایان موقت شب‌های زنده تهران

یکی از نشانه‌های مهم تغییر رفتار شهری، وضعیت کافه‌ها است. کافه‌هایی که تا چند ماه پیش در چند طبقه، با چند شیفت کاری، تا پاسی از شب میز پر می‌کردند، حالا در بسیاری از نقاط شهر با ظرفیت کمتر کار می‌کنند. بعضی فقط یک طبقه را فعال نگه داشته‌اند، بعضی ساعت کاری را کوتاه کرده‌اند و بعضی از نیروها را به شیفت‌های کمتر منتقل کرده‌اند. مدیر یک کافه در شمال شهر تهران می‌گوید: «قبلاً شب‌ها اوج کار ما بود. الان از ساعت ۸ به بعد انگار مشتری‌ها نگران برگشتن می‌شوند. ما هم همه طبقه‌ها را باز نمی‌کنیم. وقتی نصف میزها خالی است، روشن کردن کل فضا، نگه داشتن همه نیروها و ادامه کار تا آخر شب صرف ندارد.»

این اتفاق، فقط کاهش فروش قهوه و غذا نیست. کافه در تهران سال‌های اخیر بخشی از زندگی اجتماعی طبقه متوسط شهری بود؛ محل قرار، کار، مطالعه، گفت‌وگو و حتی فرار کوتاه از فشار روزمره. وقتی کافه‌ها زودتر بسته می‌شوند، شهر بخشی از ظرفیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

تهران سال‌ها تلاش کرد از شهری اداری و روزمحور، به شهری با شب‌های زنده‌تر تبدیل شود. مراکز خرید، کافه‌ها، رستوران‌ها، پیاده‌روی‌های شبانه، تبلیغات آنلاین، فروش اینترنتی، پیک‌های شبانه و اقتصاد خدماتی، همه نشانه‌های این تغییر بودند. اما حالا جنگ و بحران اقتصادی، این مسیر را قطع کرده است. شهری که می‌خواست هوشمندتر، آنلاین‌تر و شبانه‌تر شود، دوباره به منطق بقا برگشته است.

این تغییر موقتی است یا دارد عادت می‌شود؟

پاسخ فروشنده‌ها به این پرسش یکسان نیست. بعضی‌ها معتقدند اگر بحران تمام شود، مردم دوباره به خیابان برمی‌گردند. اما گروهی دیگر می‌گویند همین تغییرات، آرام‌آرام به عادت تبدیل می‌شود؛ مخصوصاً وقتی بحران طولانی شود و اقتصاد خانواده‌ها تحلیل برود.

یک فروشنده لوازم خانگی در خیابان جمهوری می‌گوید: «اولش فکر می‌کردیم چند روز است. بعد شد چند هفته. الان مشتری خودش را با نخریدن عادت داده. ما هم خودمان را با زود بستن عادت داده‌ایم. این خطرناک است، چون وقتی بازار به رکود عادت کند، برگشتنش سخت می‌شود.»

در اقتصاد شهری، عادت‌ها اهمیت زیادی دارند. اگر مشتری یاد بگیرد بعد از ساعتی به خیابان نیاید، اگر فروشنده یاد بگیرد شب‌ها باز ماندن نمی‌صرفد، اگر خانواده‌ها خریدهای غیرضروری را برای مدت طولانی حذف کنند، بازگشت به وضعیت قبلی زمان‌بر خواهد بود. بحران ممکن است روزی تمام شود، اما رفتارهای ساخته‌شده در بحران می‌توانند باقی بمانند.

به همین دلیل، آنچه امروز در خیابان‌های تهران دیده می‌شود، فقط یک واکنش کوتاه‌مدت به جنگ نیست؛ می‌تواند نشانه شکل‌گیری یک سبک زندگی اضطراری باشد. سبکی که در آن خرید کمتر، رفت‌وآمد کوتاه‌تر، شب‌های خلوت‌تر، ویترین‌های خاموش‌تر و گفت‌وگوهای اقتصادی‌تر جای زندگی شهری سابق را می‌گیرد.

تعطیل کنیم، برویم خانه؛ بیشتر می‌صرفد

شاید اگر بخواهیم حال‌وهوای این روزهای بازار را در یک جمله خلاصه کنیم، همین جمله باشد: «تعطیل کنیم، برویم خانه؛ بیشتر می‌صرفد.» این جمله از سر تنبلی نیست؛ از دل حساب‌وکتاب می‌آید. فروشنده‌ای که اجاره سنگین می‌دهد، هزینه برق و نیروی انسانی دارد، مشتری کمی می‌بیند، از ناامنی خیابان می‌ترسد و خودش هم نگران خانواده است، دیگر مثل گذشته به باز ماندن طولانی به چشم فرصت نگاه نمی‌کند. برای او، باز بودن بعد از ساعت مشخص، گاهی به معنی زیان بیشتر است.

از سوی دیگر، مشتری هم دیگر آن مشتری سابق نیست. او هم در ذهنش حساب می‌کند: آیا این خرید ضروری است؟ آیا قیمتش فردا بالاتر می‌رود؟ آیا بهتر نیست پول نقد نگه دارم؟ آیا دیر برگردم امن است؟ آیا این خیابان بعد از تاریکی شلوغ می‌ماند؟ همین پرسش‌ها، رفتار روزمره شهر را تغییر داده‌اند.

تهران امروز در وضعیت تعلیق است؛ نه کاملاً تعطیل، نه کاملاً زنده. روزها هنوز رفت‌وآمد هست، مغازه‌ها باز می‌شوند، مردم کار می‌کنند، ماشین‌ها در ترافیک می‌مانند و زندگی ادامه دارد. اما از جایی به بعد، شهر انگار فرمان عقب‌نشینی می‌دهد. چراغ‌ها یکی‌یکی خاموش می‌شوند، کرکره‌ها پایین می‌آیند، کافه‌ها خلوت می‌شوند و خیابان به جای آن‌که مردم را نگه دارد، آن‌ها را به خانه پس می‌فرستد.

این شاید دقیق‌ترین تصویر زندگی در بحران باشد: زندگی‌ای که متوقف نشده، اما کوتاه‌تر، محتاط‌تر، کم‌نورتر و کم‌خرج‌تر شده است.

حداقلی زندگی کردن هم دیگر «حداقل» نیست؛ وقتی حتی در ساده‌ترین و فشرده‌ترین شکل ممکنِ هزینه‌کرد، دخل و خرج به زحمت به هم می‌رسد

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان مورد رسیدگی تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح زیر آگهی میگردد

بخش یک

قریه دار کلا پلاک ۲۲ اصلی بخش ۱

۵۷۲ فرعی آقای ابراهیم یزدانی فرزند اسفندیار نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۱۵۹/۰۳ متر مربع

۵۷۱ فرعی آقای ابراهیم یزدانی فرزند اسفندیار نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۱۶۸/۸۶ متر مربع

قریه شیرکلا پلاک ۲- اصلی بخش ۱

۶۱۳ فرعی آقای محمد رضا تیانی خیابانی فرزند اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۲۵۰/۳۹ متر مربع که مقدار دو دانگ مشاع عرصه وقف می باشد.

۶۱۲ فرعی آقای فرامرز سهرابی خواه فرزند نعمت اله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین خشکه زاری با کاربری زراعی به مساحت ۳۶۶/۶۱ متر مربع که مقدار دو دانگ مشاع عرصه وقف می باشد.

قریه تجاسبکلا پلاک ۱۹- اصلی بخش ۱

۱۶۹ فرعی آقای مهدی کفشگر فرزند یزدان نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین خشکه زاری با کاربری زراعی به مساحت ۲۲۳/۵۶ متر مربع

قریه خطیب کلا پلاک ۲۹- اصلی بخش ۱

۲۵۳ فرعی خانم فاطمه مستقل امنیه فرزند حسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۲۵۰/۲۸ متر مربع

بخش یازده

قریه سنگین ده ۴۱- اصلی بخش ۱۱

۴۶۶ فرعی آقای وحید فرمانی فرزند رضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۵/۳۴ متر مربع

قریه شاهزاله ۱۷- اصلی بخش ۱۱

۶۴ فرعی آقای مهدی خوشحالی فرزند اسمعیل نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۳۸۰/۸۹ متر مربع که مقدار ۹۶ سیر مشاع عرصه وقف می باشد.

قریه عبداله آباد ۴۷- اصلی بخش ۱۱

۸۱۵ فرعی از ۲۵۹ فرعی خانم سیده مهین حسینی فرزند سید قشم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی به مساحت ۲۷۵/۹۰ متر مربع

قریه عربخیل ۴۶- اصلی بخش ۱۱

۵۱۴ فرعی آقای علی کاظم زاده و خانم مژگان کاظم زاده فرزند محمود بالسویه نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ (کاربری زراعی - باغ) به مساحت ۳۴۵/۳۸ متر مربع که ۶۴ سیر مشاع عرصه وقف می باشد.

بخش ۲

قریه علی آباد ۱۲- اصلی بخش ۲

۲۸۵ فرعی خانم ملیحه گلستان ایرانی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین خشکه زاری با کاربری زراعی به مساحت ۴۷۲/۲۶ متر مربع

قریه جوربند ۲- اصلی بخش ۲

۱۴۵۴ فرعی از ۷۹۳ فرعی آقای علی اکبر پایا فرزند رمضان نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۲۷/۳۹ متر مربع

۱۴۵۵ فرعی از ۷۹۳ فرعی آقای جلیل حسینی فرزند مصطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۲۳/۵۳ متر مربع

۱۴۵۶ فرعی از ۷۹۳ فرعی شعبان رضائی فرزند مرتضی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۲۷/۸۵ متر مربع

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق تا در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده ، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود ، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جرین ثبت و فاقد سائقه تحدید حدود ، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

میم الف : ۲۱۷۹۶۱۶

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۳/۰۹

عین اله تیموری

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان ۱۲۳۸

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک و متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضی واقع در قریه کهنه سرا پلاک ۱۵ اصلی بخش ۳ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۴/۴۳۰۶

رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۷۳۵۲۰پلاک ۶۶۳ فرعی آقای مرتضی بالی چلندر فرزند اباصلت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۳۰۶/۷۹ مترمربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای اباصلت بالی

لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رأی هیأت الصاق تا در صورتکیه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید./ م الف: ۲۱۶۶۸۸۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۶

علی اکبر مقدسی فر

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر۸۵۸

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک و متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضی واقع در قریه لاشک پلاک ۶۷ اصلی بخش ۲ ییلاقی کلاسه ۱۴۰۴/۳۹۳۹

رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۰۰۵۰۷پلاک ۷۸ فرعی آقای امیر فراشاهی فر فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۷۰۰/۰۰ مترمربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از سید شاهین تفرشی

لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رأی هیأت الصاق تا در صورتکیه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید./ م الف: ۲۱۶۶۵۶۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۶

علی اکبر مقدسی فر

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر۸۵۹

اخبار

ملاقات حضوری شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر ساری با شهروندان منطقه۳ برگزار شد

در راستای سیاست محله‌محوری و ارتباط مستقیم با شهروندان، نشست ملاقات مردمی و بررسی میدانی مشکلات اهالی منطقه ۳ ساری، با حضور مدیران ارشد شهری و اعضای شورای اسلامی شهر برگزار شد.

به گزارش مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری ساری، در این نشست که با هدف تسریع در رفع مطالبات شهروندان برپا شد، سید حسن احمدی شهردار ساری، به همراه افشین راسخ رئیس شورای اسلامی شهر، ذوالفقار شریفی و حسین وریجی از اعضای شورای اسلامی شهر، میثم فرخی معاون حمل و نقل و امور زیربنایی و

آرش عطایی معاون خدمات شهری، در این دیدار پاسخگوی مطالبات و دغدغه‌های اهالی محلات منطقه ۳ بودند.

بررسی میدانی مطالبات زیربنایی و خدماتی

در این ملاقات، شهروندان منطقه ۳ به‌صورت چهره‌به‌چهره مسائل خود را در زمینه‌های بهسازی معابر، هدایت آب‌های سطحی، توسعه فضای سبز و خدمات حمل‌ونقل عمومی مطرح کردند.

شهردار ساری: مطالبات مردم، اولویت اول بودجه‌ریزی محله‌ای است

سید حسن احمدی در حاشیه این نشست با تأکید بر اینکه منطقه ۳ یکی از اولویت‌های توسعه‌ای شهرداری است، اظهار داشت: حضور اعضای محترم شورا و معاونین فنی در میان مردم، به ما کمک می‌کند تا تصمیمات را از پشت میزها به دلِ محلات ببریم. تمام موارد مطرح شده توسط همکاران من یادداشت شده و برای هر یک، زمان‌بندی اجرایی در نظر گرفته خواهد شد.

این نشست با دستور ویژه شهردار ساری به معاونین حاضر در جلسه جهت رسیدگی آنی به برخی گره‌های خدماتی در محلات منطقه ۳ به پایان رسید.